



## تحلیل قیمت گذاری دولت در بازار و اثر آن بر بخش خصوصی

- نام پژوهش: تحلیل قیمت گذاری دولت در بازار و اثر آن بر بخش خصوصی | کدشناسایی: ۱۱۱۱۱۰۰۰۹۱۷
- تهیه شده: واحد پژوهش و بررسی های اقتصادی
- انتشارات: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان
- تاریخ انتشار: آذرماه ۱۴۰۰
- صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان
- تهیه کننده: پریسا پورعجم
- ناظر علمی: دکتر زهرا زمانی، دکتر مصطفی مبینی دهکردی



بازارها نقش محوری را در سازوکار تخصیص منابع، نحوه تولید و مصرف کالا و خدمات و نحوه توزیع درآمد و ثروت ایفا می‌کنند. البته در اجرای این نقش محوری، گاهی دچار شکست می‌شوند. بروز شکست‌های بازاری به این معنا نیست که دخالت دولت لزوماً اوضاع را بهبود می‌بخشد بلکه به این معنا است که امکان بالقوه برای عمل دولت تقریباً در هر زمینه‌ای از بازار وجود دارد.

### ● خلاصه مدیریتی

در اقتصاد دستوری که به نام اقتصاد برنامه‌ریز اقتصادی شده نیز شناخته می‌شود، برنامه‌ریزی‌های اصلی اقتصاد بر عهده دولت است. سیاست قیمت‌گذاری دستوری که بخشی از نوع مدیریت اقتصاد دستوری است به مفهوم مکلف کردن بنگاه‌ها به اجرای ضوابط قیمت‌گذاری اعلام‌شده توسط دولت است. این سیاست به‌منظور کنترل قیمت‌ها به‌خصوص در شرایط تورمی، حمایت از اقشار کم‌درآمد و کنترل نرخ بیکاری می‌شود. کنترل تورم و ایجاد تعادل در وضعیت عرضه و تقاضا در هر کشور امری قابل قبول و مفید است اما در شرایطی که عدم توازن در بخش تولید و مصرف، ضعف در سیستم نظارتی و عدم تناسب حاشیه سود تولیدکننده و توزیع‌کننده وجود دارد اتخاذ سیاست‌های سرکوب قیمت کالاها و سیاست‌های سلبی و نظارتی با شکست مواجه می‌شود و پیامدهای خطرناکی نظیر ایجاد رانت، سرکوب انگیزه تولیدکنندگان برای تولید، ورشکستگی بنگاه‌ها با توان کمتر، عدم رقابت در بازار جهانی و کاهش بهره‌وری و کارآمدی صنایع می‌شود.

سیاست قیمت‌گذاری دستوری در کوتاه‌مدت ممکن است موجب بهبود موقتی وضعیت اقتصاد شود ولی در صورت ادامه‌دار بودن آن و عدم اتخاذ تصمیماتی جهت رفع مشکلات دیگری اقتصادی، موجب تضعیف تولید و نهایتاً ضرر تولیدکنندگان خواهد شد. گزارش حاضر در ابتدا به تحلیل و بررسی تأثیر قیمت دستوری بر بازارهای اجاره، مواد پروتئینی، خودرو و حامل‌های انرژی در ایران می‌پردازد؛ و در ادامه به تجربه چند کشور در خصوص اعمال این سیاست پرداخته می‌شود.

سیاست قیمت‌گذاری دستوری تنها به نفع عده‌ای خاص و محدود است و در عمل بسیاری از مصرف‌کنندگان همچنان از تورم موجود در جامعه متضرر می‌شوند. نتایج حاصل از بررسی نظام قیمت‌گذاری در صنایع منتخب در ایران نشان می‌دهد اجرای این سیاست در هر حوزه منجر به زیان، ایجاد رانت و آسیب‌های اقتصادی شده است. تجربه نظام نظارتی در امر کنترل قیمت‌ها در کشور ما موفق نبوده و نمی‌توان انتظار داشت از این‌پس نیز نتیجه‌ای ارزشمند از این

سیاست اقتصادی به وجود بیاید.

با بررسی تجربه سایر کشورها در حوزه قیمت‌گذاری دستوری، کمتر کشور موفق را در اجرای این سیاست خواهیم یافت که توانسته باشد به اهداف خود نظیر مهار تورم و حمایت از مصرف‌کنندگان رسیده باشد.

### ● مقدمه

بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است که مفهوم ضمنی آن پذیرش یک نظام اقتصادی مختلط است. بازار از طریق دو مفهوم محل فعالیت بخش خصوصی و سازوکار حاکم بر فعالیت بخش خصوصی با این بخش ارتباط پیدا می‌کند.

بازارها نقش محوری را در سازوکار تخصیص منابع، نحوه تولید و مصرف کالا و خدمات و نحوه توزیع درآمد و ثروت ایفا می‌کنند. البته در اجرای این نقش محوری، گاهی دچار شکست می‌شوند. بروز شکست‌های بازاری به این معنا نیست که دخالت دولت لزوماً اوضاع را بهبود می‌بخشد بلکه به این معنا است که امکان بالقوه برای عمل دولت تقریباً در هر زمینه‌ای از بازار وجود دارد.

کشف قیمت کالا و محصولات در بازار بر اساس عرضه و تقاضا به همراه رقابت شکل می‌گیرد، به این صورت که قیمت کالا در سطحی قرار می‌گیرد که میزان عرضه و تقاضا در آن نقطه برابر می‌شود. در این قیمت تعادلی، خریداران کالا قادر و مایل به خرید دقیقاً همان میزان کالایی هستند که فروشندگان قادر و مایل به فروش آن هستند.

دولت به‌عنوان مدیر و مجری قوانین، توانایی تغییر فرآیند اکثر بخش‌های کشور را دارد. اگر هر بخش طبق روال عادی خود پیش نرود دولت با استفاده از فرآیند مختلف سعی در بهبود بخشیدن وضعیت اقتصادی کشور می‌کند. اگر وضعیت اقتصادی کشور با توجه به رکود، تورم و سایر پدیده‌ها دچار مشکل شود، اقتصاد دستوری که دولت برنامه‌ریز اصلی اقتصاد خواهد بود، به میان می‌آید و سعی بر آن دارد تا فشاری را که به تقاضاکننده وارد می‌شود را رفع کند.

فضای رقابتی در بازار از بین رود و به علت یکسان بودن قیمت‌ها انگیزه افزایش تولید از تولیدکننده سلب شود و بودجه کمتری برای توسعه بنگاه اختصاص یابد که موجب کاهش نوآوری و کیفیت کالا می‌شود؛ و از سوی دیگر تولیدکنندگانی که با افزایش هزینه تبلیغاتی سعی در افزایش فروش خود داشته‌اند با توجه به قدرت کمتر مصرف‌کننده متضرر خواهند شد.

اگر قیمت‌گذاری دستوری مدت‌زمان بیشتری ادامه پیدا کند، با از بین رفتن فضای رقابتی به‌مرور زمان تقاضای مصرف‌کننده از تنوع محصولات کاهش می‌یابد و روی یک کالای خاص (قدیمی‌تر و دارای پشتوانه) متمرکز می‌شود. در چنین شرایطی بنگاه‌های تازه تأسیس توانایی رقابت را از دست می‌دهند و حتی ممکن است بنگاه‌های به‌روز با استاندارد بالا جای خود را به بنگاه‌های کوچک با استاندارد کم بدهند که این شرایط به ضرر مصرف‌کننده و سهام‌دار خواهد بود. برای ارزیابی کارایی قیمت‌گذاری دستوری باید روند قیمت کالاها و بازارهای تحت نظارت دست‌ورعمل و مصوبات قیمت‌گذاری بررسی گردد که در ادامه گزارش به بخشی از بازارها که تحت قیمت‌گذاری دولت در ایران بوده‌اند پرداخته می‌شود؛ و در انتهای گزارش تجربه چند کشور دیگر در خصوص قیمت‌گذاری دستوری بیان می‌شود.

## ● بازار اجاره

دولت با شیوع ویروس کرونا به‌منظور کنترل نرخ اجاره در شرایط نابسامان اقتصادی و حداقل رساندن جابجایی مستأجران از طریق تمدید خودکار قرارداد اجاره‌بها، کمک‌هزینه ودیعه مسکن و تعیین سقف نرخ اجاره‌بهای ۲۵ درصدی برای تهران، ۲۰ درصدی برای

تورم به‌عنوان یکی از مشکلات اساسی کشورهای در حال توسعه مطرح است. عوامل متعددی نظیر رشد نقدینگی، تغییرات نرخ ارز و سیاست‌های تعرفه‌ای و مالیاتی نامناسب می‌توانند بر سطح و روند قیمت‌های مطلق و نسبی اثر بگذارد.

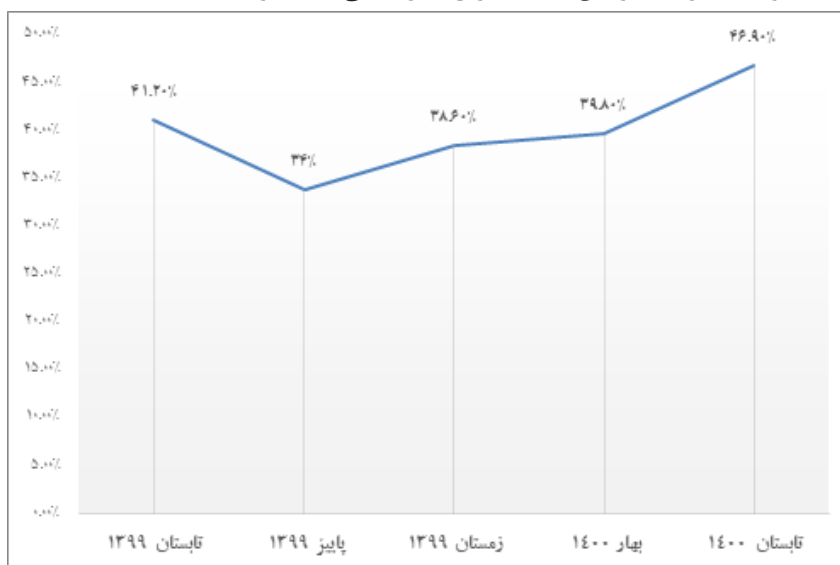
در شرایط تورمی که روند قیمت‌ها فزاینده است و به تبع آن وضعیت رفاه خانوارها به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر بدتر می‌شود، سیاست‌گذار تمایل پیدا می‌کند به‌منظور کنترل روند بی‌رویه قیمت‌ها در بازار دخالت کند. در ایران یکی از راهکارهای انتخابی تکیه بر نظام قیمت‌گذاری دستوری و کنترل قیمت‌ها از طریق تکلیف بنگاه‌ها به رعایت ضوابط قیمت‌گذاری است. قیمت‌گذاری دستوری که بخشی از نوع مدیریت اقتصاد دستوری است، پس از بررسی فرآیند عرضه و تقاضایی که بر چرخه هر صنعتی استوار است به فروشنده‌ها قیمت معینی ابلاغ می‌شود تا در آن سطح قیمت، کالاهای خود را به متقاضیان عرضه کنند.

سؤال مهم آن است که آیا نظام قیمت‌گذاری دستوری و دخالت دولت در بازار که با رویکرد کنترل نوسان قیمت‌ها و حفظ رفاه اقشار آسیب‌پذیر مطرح شده بود توانسته سیاست‌گذاران را به هدف‌های خود برساند؟ در بررسی تأثیر قیمت‌گذاری دستوری بر بخش خصوصی باید افق‌های زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت را در نظر گرفت. قیمت‌گذاری دستوری در بازه زمانی کوتاه‌مدت، با کاهش موقتی قیمت‌ها و رفع نگرانی مصرف‌کننده، فرصتی در اختیار دولت قرار می‌دهد تا با بهبود وضعیت فعلی، قیمت‌گذاری بازار را به اقتصاد برگرداند و از طریق ایجاد رونق در بازار موجب شود بنگاه‌هایی که میزان پتانسیل تولید خود را کاهش داده بودند به چرخه تولید برگردند. قیمت‌گذاری دستوری در میان‌مدت باعث می‌شود تا



در شرایط تورمی که روند قیمت‌ها فزاینده است و به تبع آن وضعیت رفاه خانوارها به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر بدتر می‌شود، سیاست‌گذار تمایل پیدا می‌کند به‌منظور کنترل روند بی‌رویه قیمت‌ها در بازار دخالت کند.

## ● نمودار ۱. متوسط افزایش اجاره‌بها برای خانوارهایی که تغییر اجاره‌بها داشته‌اند (درصد)



● منبع: مرکز آمار ایران

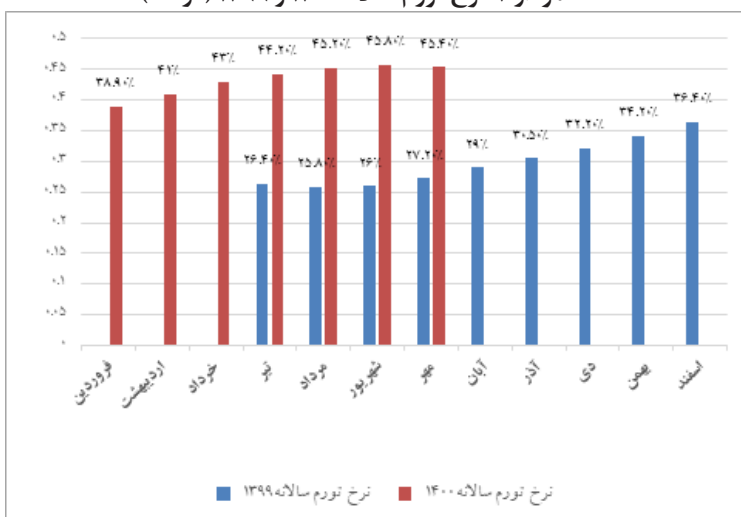


بر اساس گزارش‌های منتشر شده مرکز آمار ایران، سقف نرخ اجاره‌بهای تعیین شده توسط دولت از تابستان ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ عملی و اجرایی نشده است.

مستأجران به علت هزینه‌بر بودن، زمان‌بر بودن فرآیند و همچنین درگیری با موجر که باعث می‌شود مستأجر نهایتاً یک سال دیگر در همان واحد استیجاری ساکن شوند و همچنین بالا بودن هزینه‌های جابجایی از پیگرد قضایی خودداری کنند. بر اساس آمار به دست آمده تفاوت نرخ اجاره‌بهای تعیین شده توسط دولت و نرخ تورم فزاینده است.

کلان‌شهرها و ۱۵ درصدی برای سایر نقاط ایران، (بر اساس مصوبه منتشر شده در تیرماه ۱۳۹۹)، در این بازار دخالت کرد. بر اساس گزارش‌های منتشر شده مرکز آمار ایران، سقف نرخ اجاره‌بهای تعیین شده توسط دولت از تابستان ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ عملی و اجرایی نشده است. گویی صاحبان املاک نرخ اجاره حداکثری را

• نمودار ۲. نرخ تورم سالانه ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ (درصد)



• منبع: مرکز آمار ایران

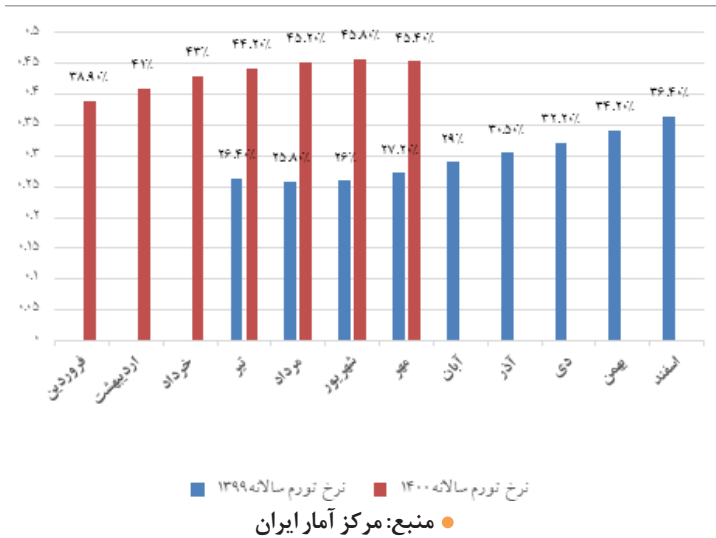
همین عامل موجب می‌شود تا صاحبان املاک برای حفظ ارزش ملک خود خواستار افزایش قیمت اجاره‌بها بیشتر از سقف تعیین شده باشند. اجاره‌بهای

به عنوان کف قیمت خود در نظر گرفته‌اند! با وجود اینکه دولت حق قانونی برای مستأجران در صورت تخطی موجران در نظر گرفته است؛ اما



## تحلیل قیمت‌گذاری دولت در بازار و اثر آن بر بخش خصوصی | آذر ماه ۱۴۰۰

● نمودار ۲. نرخ تورم سالانه ۱۴۰۰ و ۱۳۹۹ (درصد)



ملک برای برخی از موجرها منبع اصلی درآمد آن‌ها نرخ اجاره مسکن بر اساس عرضه و تقاضا یا نرخ تورم است، است و به علت عدم تناسب نرخ تورم و حداکثر نرخ هر چه عرضه مسکن کم و تقاضا برای آن بیشتر شود، اجاره

● نمودار ۳. نرخ تورم سالانه و نرخ تورم سالانه اجاره‌بها واحدهای مسکونی ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ (درصد)



مسکن افزایش می‌یابد، از سوی دیگر هر چند نرخ تورم نیز افزایش یابد مالکین نرخ بیشتری را برای رهن و اجاره تعیین می‌کنند.

زمانی که دولت در بازار اجاره مسکن دخالت می‌کند و اجازه نمی‌دهد تا نرخ اجاره مسکن بر اساس مکانیزم بازار تعیین شود، میزان معاملات و تنظیم قراردادهای اجاره به سبب کاهش تمایل مالکان مسکن به اجاره ملک خود کاهش می‌یابد. همین کاهش معاملات سبب کاهش درآمد بنگاه‌داران می‌شود، به گونه‌ای که برخی خواستار ابطال پروانه کسب خود می‌شوند.

● کالاهای اساسی و مواد غذایی

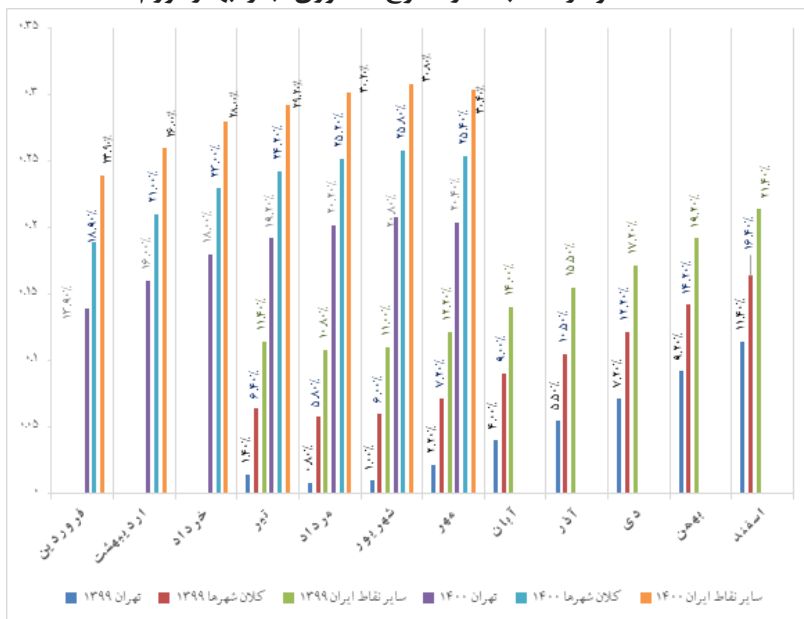
دستوری، به‌منظور پوشش هزینه‌های زندگی خود تمایل به شکستن نرخ حداکثری اعلام‌شده توسط دولت دارند.

دخالت دولت در بازار اجاره‌ای با فقدان ابزارهای نظارتی مانند سامانه‌های رصد قراردادهای اجاره‌ها و نظارتی صورتی رواج یابد و نرخ ثبت‌شده در قراردادهای اجاره‌ای و نرخ بازار متفاوت شود؛ که این باعث از بین رفتن شفافیت و مبهم شدن نرخ اجاره‌بها در بازار می‌شود. نرخ دستوری دولت باعث کاهش انگیزه‌ی سازندگان مسکن استیجاری و کاهش تمایل موجرها برای ارتقا کیفیت واحد مسکونی می‌شود؛ که در بلندمدت با کاهش کمیت و کیفیت واحدهای مسکونی اجاره‌ای روبه‌رو خواهد شد.



دخالت دولت در بازار اجاره‌ای با فقدان ابزارهای نظارتی مانند سامانه‌های رصد قراردادهای اجاره‌ها موجب شد تا اجاره‌نامه‌های صورتی رواج یابد و نرخ ثبت‌شده در قراردادهای اجاره‌ای و نرخ بازار متفاوت شود؛ که این باعث از بین رفتن شفافیت و مبهم شدن نرخ اجاره‌بها در بازار می‌شود.

● نمودار ۴. مابه تفاوت نرخ دستوری اجاره‌بها و تورم



● منبع: محاسبات پژوهشگر

حداقل ۷۰ درصد از هزینه‌های تمام‌شده محصولات پروتئینی مثل مرغ و تخم‌مرغ به خوراک دام مربوط است. میزان تولید (جوجه ریزی) باقیمت محصولات پروتئینی مثل مرغ و تخم‌مرغ ارتباط معکوس دارد که میزان جوجه ریزی خود به عوامل متعددی مثل قیمت و حجم نهاده‌های دامی وابسته است.

افزایش قیمت نهاده‌های دامی منجر می‌شود تا حاشیه سود تولیدکنندگان محصولات پروتئینی کاهش یابد؛ و آن دسته

در بازار کالاهای اساسی و مواد غذایی بر اساس اعلام وزارت صمت سه گروه مواد پروتئینی، نهاده‌های دامی و روغن نباتی دارای قیمت مصوب دولتی هستند. در ادامه به بررسی عملکرد دولت در هر بخش پرداخته می‌شود.

● مواد پروتئین

قیمت کالاهای پروتئینی از جمله قیمت گوشت مرغ تازه، مرغ زنده، تخم‌مرغ و جوجه یک‌روزه تحت تأثیر مداخلات

● جدول ۱. قیمت مصوب کالاهای پروتئینی فروردین سال ۱۴۰۰ (ریال)

جوجه یک‌روزه رأس (چهار منفی (یک قطعه)	تخم مرغ (یک کیلوگرم)	مرغ زنده (یک کیلوگرم)	گوشت مرغ تازه (یک کیلوگرم)
۴۲,۰۰۰	۱۶۹,۰۰۰	۱۷۱,۰۰۰	۲۴۹,۰۰۰

● منبع: وزارت صنعت، معدن و تجارت

از تولیدکنندگان که توانایی تأمین خوراک دامی نداشته‌اند عملاً از چرخه تولید خارج شوند. کاهش ظرفیت تولیدی محصولات پروتئینی، مصرف‌کنندگان را هم با افزایش قیمت مواجه می‌کند که همین امر باعث فشار بر اقشار ضعیف جامعه می‌شود.

قیمت‌گذاری دستوری در مواد پروتئینی باعث عدم شفافیت در بازار و ایجاد فضای کسب سود برای دلالتان و واسطه گران شده است. تولیدکنندگان بخشی از نهاده‌های دامی خود را باید از بازار آزاد تهیه کنند و وجود واسطه گران در این بخش‌ها باعث از بین رفتن صرفه اقتصادی شده است.

بالا بودن هزینه تمام‌شده تولید فرآورده‌های پروتئینی، نظام توزیع ناکارآمد در بازار داخل و بهره‌وری پایین این بازار موجب شده تا سطح رقابت‌پذیری تولیدکنندگان

دولت در بازار است. مداخلات دولت در این بازارها غالباً از راه کنترل قیمت و یا پرداخت یارانه به‌ویژه از طریق اختصاص نرخ‌های پایین‌تر ارز برای واردات نهاده‌های تولیدی صورت می‌گیرد.

بررسی روند نوسان متوسط قیمت کالاهای پروتئینی حکایت از شکست سیاست دستوری دولت در تعیین نرخ مصوب برای محصولات پروتئینی می‌دهد.

در بازار مواد پروتئینی شکاف قیمت مصوب دولت و مصرف‌کننده را می‌توان در عواملی همچون ضعف نظارتی بر بازار محصولات پروتئینی و نهاده‌های دامی، کاهش مقدار جوجه ریزی، اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی به نهاده‌های دامی و افزایش قیمت نهاده‌های دامی جست‌وجو کرد.

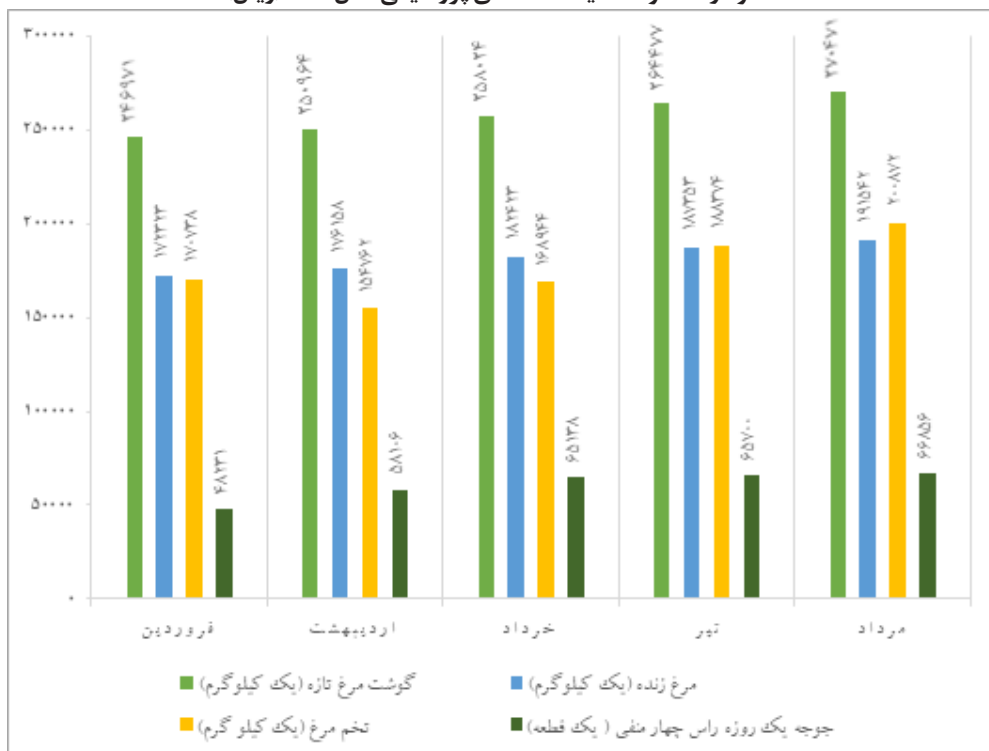
بنا بر اظهارات رئیس انجمن صنایع خوراک دام و طیور،



قیمت‌گذاری

دستوری در مواد پروتئینی باعث عدم شفافیت در بازار و ایجاد فضای کسب سود برای دلالتان و واسطه گران شده است. تولیدکنندگان بخشی از نهاده‌های دامی خود را باید از بازار آزاد تهیه کنند و وجود واسطه گران در این بخش‌ها باعث از بین رفتن صرفه اقتصادی شده است.

• نمودار ۵. متوسط قیمت کالاهای پروتئینی سال ۱۴۰۰ (ریال)



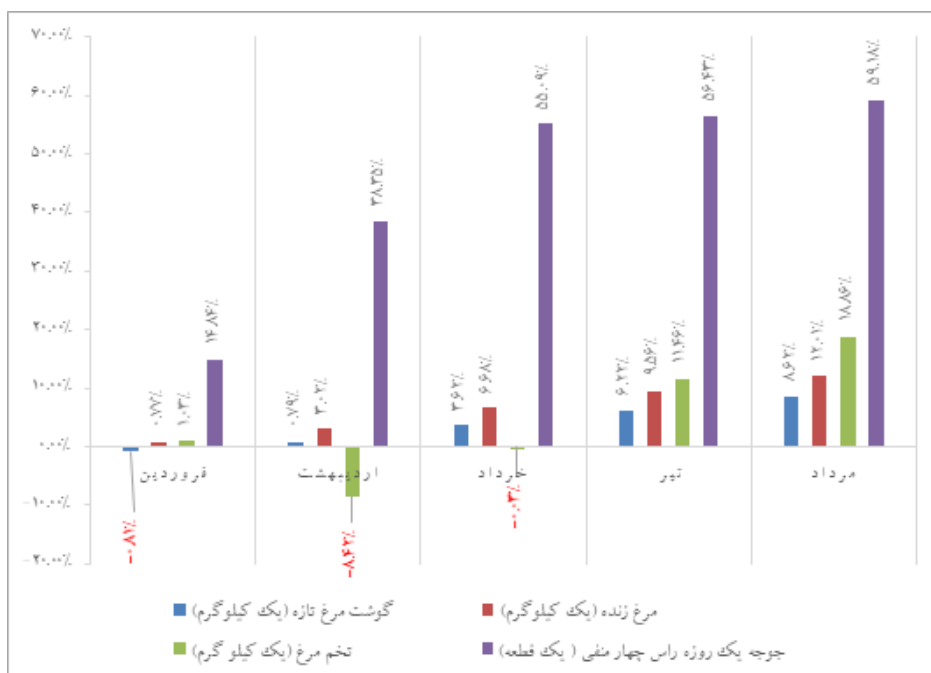
• منبع: وزارت صنعت، معدن و تجارت

این بخش در بازار جهانی کاهش یابد. از سوی دیگر با کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری در این بخش و سرکوب تلاش تولیدکنندگان، برخی از آنان مجبور به تعطیلی واحد تولیدی خود می‌شوند.

این بخش در بازار جهانی کاهش یابد. از سوی دیگر با صرف‌کنندگان و نه تولیدکنندگان است، تنها به کام دلان و واسطه‌گران شده است.

• نهادهای دامی

• نمودار ۶. اختلاف متوسط قیمت بازار کالاهای پروتئینی و قیمت مصوب سال ۱۴۰۰ (درصد)



• منبع: محاسبات پژوهشگر



بالا بودن هزینه تمام‌شده تولید فرآورده‌های پروتئینی، نظام توزیع ناکارآمد در بازار داخل و بهره‌وری پایین این بازار موجب شده تا سطح رقابت‌پذیری تولیدکنندگان این بخش در بازار جهانی کاهش یابد. از سوی دیگر با کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری در این بخش و سرکوب تلاش تولیدکنندگان، برخی از آنان مجبور به تعطیلی واحد تولیدی خود می‌شوند.

نهادهای دامی در کشور از دو راه تولید و واردات تأمین عدم تخصیص به‌موقع ارز ۴۲۰۰۰ ریالی از سوی وزارت

● جدول ۲. قیمت مصوب نهاده دامی فروردین سال ۱۴۰۰ (ریال)

کنجاله سویا وارداتی (یک کیلوگرم)	ذرت دامی خارجی (یک کیلوگرم)	جو خارجی (یک کیلوگرم)
۳۴,۰۰۰	۱۹,۰۰۰	۱۸,۰۰۰

● منبع: وزارت صنعت، معدن و تجارت

● نمودار ۸. متوسط قیمت نهاده دامی سال ۱۴۰۰ (ریال)



● منبع: وزارت صنعت، معدن و تجارت

صمت و عدم تأمین به‌موقع ارز از سوی بانک مرکزی و دپو شدن نهاده‌های دامی در بندرها کشور باعث کمبود عرضه و افزایش قیمت نهاده‌های دامی به چند برابر نرخ مصوب دولتی شده است.

دلالت در این بخش باعث بی‌ثباتی بازار شده‌اند. کاهش حاشیه سود و ضرر تولیدکنندگان موجب خارج شدن برخی از تولیدکنندگان با توان کمتر از این صنعت شده است. انگیزه سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به خاطر کاهش حاشیه سود در این بازار کاهش نیز یافته است. از سوی دیگر کالاهایی که در گمرک دپو می‌شوند به دلیل انباشت نامناسب و طولانی‌مدت، در معرض فاسدشدن قرار می‌گیرند و ممکن است در صورت مصرف، منجر به بیماری‌های دام و طیور شوند.

چالش تأمین خوراک دام و طیور در صورت تداوم، عواقبی فراتر از تعطیلی چند واحد تولیدی به دنبال خواهد داشت و می‌تواند امنیت غذایی کشور را با چالش جدی

می‌شوند. به علت فقدان استراتژی‌های مناسب تولید و شرایط جغرافیایی، حدود ۸۰ درصد نیاز کشور در نهاده‌های دامی از طریق واردات برطرف می‌شود. بازار نهاده‌های دامی مشمول سیاست‌گذاری در حوزه قیمت، تولید و دریافت ارز ترجیحی ۴۲۰۰۰ ریالی است.

بررسی مقایسه‌ای قیمت نهاده‌های دامی و قیمت مصوب دولتی، حکایت از عدم موفقیت کامل سیاست‌های قیمت‌گذاری در این بازار دارد.

بازار نهاده‌های دامی علاوه بر آن که در انتهای زنجیره تولید با فیلتر قیمت‌گذاری مواجه هستند به علت وابستگی کشور به واردات این نهاده‌ها از حمایت دولت در تخصیص ارز بهره‌مند می‌شوند. نرخ دستوری ارز برای محصولات دامی به علت تفاوت زیاد باقیمت ارز در بازار موجب شده تا زمینه‌ای برای رانت و فساد در این بازار شکل گیرد؛ که این امر باعث عدم شفافیت و ناکارآمدی بازار نهاده‌های دامی شده است.



بازار نهاده‌های دامی علاوه بر آن که در انتهای زنجیره تولید با فیلتر قیمت‌گذاری مواجه هستند به علت وابستگی کشور به واردات این نهاده‌ها از حمایت دولت در تخصیص ارز بهره‌مند می‌شوند. نرخ دستوری ارز برای محصولات دامی به علت تفاوت زیاد باقیمت ارز در بازار موجب شده تا زمینه‌ای برای رانت و فساد در این بازار شکل گیرد؛ که این امر باعث عدم شفافیت و ناکارآمدی بازار نهاده‌های دامی شده است.



## ● نمودار ۹. اختلاف متوسط قیمت نهاده دامی و قیمت مصوب سال ۱۴۰۰ (درصد)

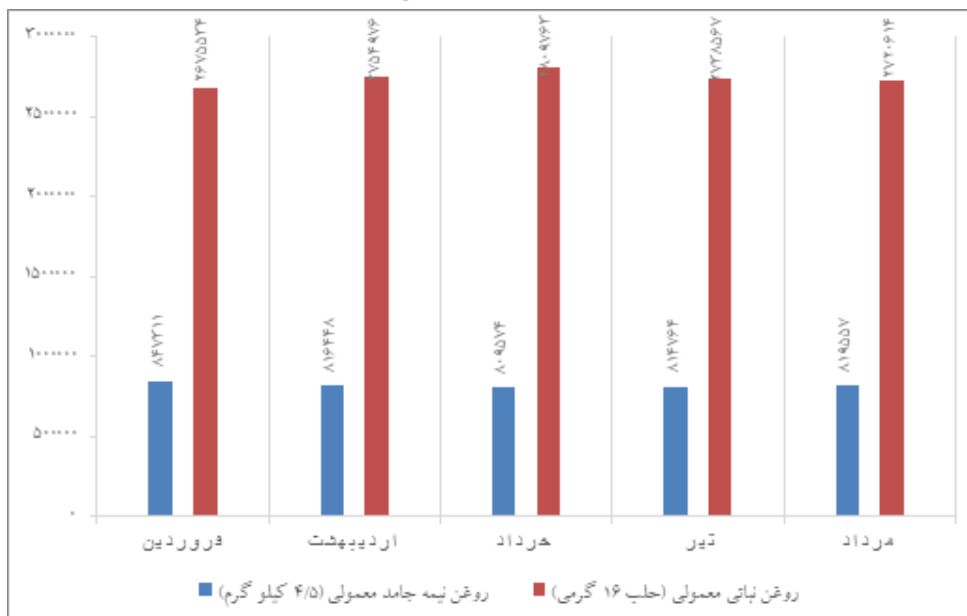


● منبع: محاسبات پژوهشگر

## ● جدول ۳. قیمت مصوب روغن نباتی فروردین سال ۱۴۰۰ (ریال)

روغن نیمه جامد معمولی (۴/۵ کیلوگرم)	روغن نباتی معمولی (حلب ۱۶ گرمی)
۶۶۳,۰۰۰	۲,۳۳۳,۵۰۰

## ● نمودار ۱۰. متوسط قیمت روغن نباتی سال ۱۴۰۰ (ریال)



● منبع: وزارت صنعت، معدن و تجارت

روغن نباتی از جمله کالاهای اساسی است که به علت وابستگی بیش از ۸۵ درصدی به واردات مواد اولیه، مشمول دریافت ارز ۴۲۰۰۰ ریالی می‌شود. مابقی نیاز کشور از طریق تولید داخلی تأمین می‌شود که مشمول سیاست مواجهه کند.



روغن نباتی از جمله کالاهای اساسی است که به علت وابستگی بیش از ۸۵ درصدی به واردات مواد اولیه، مشمول دریافت ارز ۴۲۰۰۰ ریالی می‌شود. مابقی نیاز کشور از طریق تولید داخلی تأمین می‌شود که مشمول سیاست قیمت‌گذاری است. مطابق آمار به‌دست آمده تفاوت قیمت مصوب دولتی و قیمت بازار مشهود است. همین اختلاف قیمت باعث ایجاد بازار سیاه، رانت و فساد در این بخش شده است.

• نمودار ۱۱. اختلاف متوسط قیمت روغن نباتی و قیمت مصوب سال ۱۴۰۰ (درصد)



• منبع: محاسبات پژوهشگر



در طی این سال‌ها صنعت خودروسازی جهان شاهد پیشرفت‌های چشم‌گیر و توسعه شتابان بوده است، اما صنعت خودروسازی ایران علی‌رغم حمایت‌هایی که داشته است همچنان از فناوری‌های قدیمی، سطح استاندارد ایمنی پایین و خودروهایی با مصرف سوخت بالا برخوردار است. فاصله بین انحصار ایجاد شده در بازار خودرو و زنجیره ارزش جهانی، عدم توجه به اصل رقابت و کارایی و بالا بودن هزینه تمام شده خودرو داخلی موجب شده این صنعت به سمت عقب‌ماندگی و زیان دهی پیش رود.

قیمت‌گذاری است.

مطابق آمار به‌دست‌آمده تفاوت قیمت مصوب دولتی و قیمت بازار مشهود است. همین اختلاف قیمت باعث ایجاد بازار سیاه، رانت و فساد در این بخش شده است.

البته شایان‌ذکر است قسمتی از افزایش قیمت روغن نباتی به علت شیوع ویروس کرونا است که باعث شده تا کشورهای مختلف اقدام به ذخیره‌سازی کالاهای اساسی مثل روغن کنند و کشورهای تولیدکننده روغن صادرات خود را کاهش دهند بنابراین این موضوع باعث افزایش قیمت جهانی روغن شده است. اختصاص ارز ۴۲۰۰۰ ریالی و اختلاف قیمت بازار با قیمت مصوب دولتی که زمینه قاچاق و دخالت دلالان و واسطه‌گران را در بخش فراهم کرده موجب ضرر تولیدکنندگان، کاهش رفاه خانوار به‌واسطه افزایش قیمت کالاها و شکست دولت در قیمت‌گذاری در این بخش بازار شده است.

### • بازار خودرو

یکی از شاخص‌ترین کالاهایی که از سال‌های دور با حمایت‌های مستقیم دولت پایه‌گذاری و مشمول سیاست‌های قیمت‌گذاری دستوری شده، خودرو است. دولت با هدف خودکفایی ایران در تولید خودرو، این صنعت نوپا را مورد حمایت قرار داد. طی چند دهه گذشته، صنعت خودروسازی همواره از امتیازات ویژه دولتی برخوردار بوده است؛ همچنین با برقراری موانع تجاری و تعرفه‌های بسیار بالا از یک بازار انحصاری و بی‌رقیب داخلی نفع برده است. در طی این سال‌ها صنعت خودروسازی جهان شاهد پیشرفت‌های چشم‌گیر و توسعه شتابان بوده است، اما صنعت خودروسازی ایران علی‌رغم حمایت‌هایی که داشته است همچنان از فناوری‌های

قدیمی، سطح استاندارد ایمنی پایین و خودروهایی با مصرف سوخت بالا برخوردار است. فاصله بین انحصار ایجاد شده در بازار خودرو و زنجیره ارزش جهانی، عدم توجه به اصل رقابت و کارایی و بالا بودن هزینه تمام شده خودرو داخلی موجب شده این صنعت به سمت عقب‌ماندگی و زیان دهی پیش رود.

برندهای پیش‌تاز خودرو در جهان در محیطی رقابتی با استفاده از نوآوری، سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه صنعت خودروسازی، بهبود شیوه‌های مدیریتی و بازاریابی و بهره بردن از صرفه‌های ناشی از مقیاس توانسته‌اند سهم خود را در بازارها گسترش دهند.

در سالیان متمادی دولت به‌جای تمرکز روی افزایش کارایی و توسعه زیرساخت‌های صنعت خودروسازی با سیاست‌ها حمایتی نظیر افزایش تعرفه‌های گمرکی خودرو و قیمت‌گذاری دستوری خودرو، اگرچه ممکن است باعث نجات شرکت‌های ناکارآمد خودروسازی از ورشکستگی شده باشد ولی در مقابل انگیزه هرگونه تلاش برای نوآوری و افزایش بهره‌وری را از بین برده است؛ که این مسئله در نهایت توان رقابت‌پذیری کل صنعت را کاهش می‌دهد و مانع رشد اقتصادی کشور خواهد شد. تفاوت قیمت خودرو در بازار کارخانه و بازار موجب شده است عده‌ای برای بهره بردن از این مابه تفاوت قیمت به جمعیت متقاضیان خودرو افزوده شوند و فضای دلالی و کسب سود در این صنعت شکل گیرد.

قیمت‌گذاری دستوری خودرو مبتنی بر اعداد گذشته‌نگر است. به‌گونه‌ای که نرخ مصوب افزایش قیمت خودرو اعلام شده توسط سازمان شورای رقابت تا پایان شهریور ۱۴۰۰ بر اساس تورم بخشی یک‌ساله اعلام شده به‌وسیله بانک مرکزی و



دخالت دولت در قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی موجب شده در سمت تقاضا به سبب پایین بودن سطح قیمت‌های نسبی حامل‌های انرژی مصرف‌کننده توجهی به بهره‌وری انرژی نکند و سرانه مصرف انرژی صرفاً افزایش یابد. در سمت عرضه با توجه به قیمت دستوری دولت که پایین‌تر از هر دلار تولید داخلی در مقایسه با شدت انرژی میانگین جهانی است، جز اقتصادهای موضوع حاکی از ناکارآمدی مصرف انرژی در ایران است. یارانه پنهان انرژی مساوی با تفاوت قیمت دستوری باقیمت جهانی حامل‌های انرژی است. هرچه یارانه پرداختی به وسیله دولت برای حامل‌های انرژی افزایش پیدا کند دست دولت برای تأمین مالی خدمات عمومی کشور بسته‌تر خواهد شد. در ادبیات اقتصادی این فرضیه که مصرف انرژی در ایران و سایر کشورهای زمینه قاچاق سوخت را نیز فراهم می‌کند.

به بهره‌وری انرژی نکند و سرانه مصرف انرژی افزایش یابد. در سمت عرضه با توجه به قیمت دستوری دولت که پایین‌تر از مقدار تعادلی است، سود صنایع تولید انرژی کاهش می‌یابد. در نتیجه جذابیت بخش انرژی برای سرمایه‌گذاران کاهش خواهد یافت. تفاوت فاحش قیمت حامل‌های انرژی در ایران و سایر کشورهای زمینه قاچاق سوخت را نیز فراهم می‌کند.

میزان کارایی مصرف انرژی توسط شاخص شدت انرژی اندازه‌گیری می‌شود که نشان‌دهنده میزان مصرف انرژی نسبت به ازای هر واحد تولید ناخالص داخلی آن کشور است. هر چه این شاخص بالاتر باشد، مصرف انرژی در آن کشور ناکارآمدتر است.

آخرین داده‌های مربوط به شاخص شدت انرژی میانگین جهانی که توسط بانک جهانی منتشر شده، مرتبط با سال ۲۰۱۵ است. طبق این آمارها، در سال ۲۰۱۵ ایران با رقم ۲،۷ مگاژول برای هر دلار تولید ناخالص داخلی در مقایسه با شدت انرژی میانگین جهانی در این سال که معادل ۲۴۸،۵ مگاژول در هر دلار است، جز اقتصادهای با مصرف شدت انرژی بالا محسوب می‌شود؛ که این موضوع حاکی از ناکارآمدی مصرف انرژی در ایران است. یارانه پنهان انرژی مساوی با تفاوت قیمت دستوری باقیمت جهانی حامل‌های انرژی است. هرچه یارانه پرداختی به وسیله دولت برای حامل‌های انرژی افزایش پیدا کند دست دولت برای تأمین مالی خدمات عمومی کشور بسته‌تر خواهد شد.

در ادبیات اقتصادی این فرضیه که مصرف انرژی

کسر تورم‌های اعمال شده قبلی در سه‌ماهه اول و دوم سال قبل و اعمال متغیرهای کیفیت و بهره‌وری محاسبه می‌شود. بر اساس اعلام مصوبه شورای رقابت در مورد پیش‌فروش خودرو، پیش‌پرداخت خودرو مشمول تورم قیمتی احتمالی نمی‌شود و فقط سهم باقی‌مانده از قیمت کل خودرو می‌تواند شامل تورم بخشی احتمالی شود.

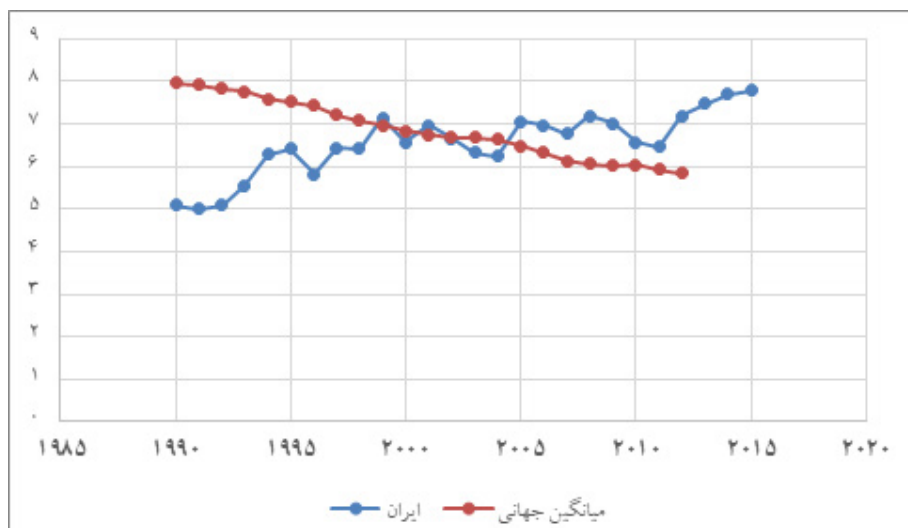
برای رشد تولید خودرو به منظور پاسخ به تقاضای موجود، در حالی که هزینه واقعی تولید خودرو از قیمت مصوب اعلام شده بیشتر است، این رشد تولید نیازمند تأمین نقدینگی با دریافت تسهیلات بانکی است که موجب افزایش بدهی معوق و زیان انباشته خودروسازان می‌شود.

با توجه به شرایط تورمی ایران، افزایش روزافزون نرخ ارز و شرایط تحریم، قیمت مواد مصرفی خودرو روند روبه رشدی را تجربه می‌کنند. همین امر موجب می‌شود تا هزینه‌های تولید خودرو افزایش پیدا کند. تفاوت شیوه قیمت‌گذاری خودرو (دستوری) با شیوه قیمت‌گذاری نهاده‌های تولید (بر اساس مکانیزم عرضه و تقاضا بازار) موجب زیان دهی این صنعت می‌شود. افزایش زیان انباشته خودروسازان موجب کاهش کیفیت محصولات آنان شده است.

## ● بازار انرژی

معضل انرژی (اعم از بنزین، گاز و برق) در ایران که در زمره سرآمدان بهره‌مند از ذخایر نفتی و گاز جهان است، پدیده عجیبی است. طی دهه‌های گذشته تمام دولت‌هایی که در کشور بر سرکار آمده‌اند جهت حمایت از خانوارها دست به مداخله در بازار انرژی زده‌اند.

● نمودار ۱۲. روند شاخص شدت انرژی در ایران و جهان (PPP GDP دلار/مگاژول)



● منبع: data.worldbank

خانواده‌های پردرآمد از خانوارهای کم‌درآمد بیشتر است، به اثبات رسیده است. زمانی که دولت برای حامل‌های انرژی یارانه پرداخت می‌کند، بر اساس اینکه مصرف

دخالت دولت در قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی موجب شده در سمت تقاضا به سبب پایین بودن سطح قیمت‌های نسبی حامل‌های انرژی مصرف‌کننده توجهی



دولت به منظور کنترل تورم و کمک به دهه‌های درآمدی پایین‌تر از طریق سیاست قیمت‌گذاری دستوری در بازار حامل‌های انرژی دخالت کرد؛ اما شواهد نشان می‌دهد علاوه بر آنکه به نتیجه نرسیده است بلکه منجر به پیامدهای منفی اقتصادی نظیر افزایش مصرف سرانه و کاهش کارایی در مصرف انرژی، بی‌عدالتی در یارانه که باعث فقر و نابرابری می‌شود، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، افزایش قاچاق و کاهش اختصاص بودجه دولت به سایر بخش‌ها خواهد شد.

افشار پردرآمد بیشتر است نشان‌دهنده آن است که مقدار یارانه پرداختی سیاست‌گذار به افشار پردرآمد بیشتر از دهک‌های پایین جامعه است. این حقیقت نشان می‌دهد پرداخت یارانه حامل‌های انرژی از فلسفه آن که کمک به خانوارهای ضعیف بوده، فاصله گرفته است.

شرکت‌های تولیدی کشور از انرژی، کارگر و حمل‌ونقل داخلی ارزان برای صادرات کالای خود استفاده می‌کنند، ضمن اینکه ارز حاصله را به قیمت آزاد می‌فروشند. به‌عنوان مثال بخش عمده‌ای از هزینه‌های کارخانه سیمان، پتروشیمی و فولاد صرف انرژی و سوخت می‌شود.

دولت به‌منظور کنترل تورم و کمک به دهه‌های درآمدی پایین‌تر از طریق سیاست قیمت‌گذاری دستوری در بازار حامل‌های انرژی دخالت کرد؛ اما شواهد نشان می‌دهد علاوه بر آنکه به نتیجه نرسیده است بلکه منجر به پیامدهای منفی اقتصادی نظیر افزایش مصرف سرانه و کاهش کارایی در مصرف انرژی، بی‌عدالتی در یارانه که باعث فقر و نابرابری می‌شود، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، افزایش قاچاق و کاهش اختصاص بودجه دولت به سایر بخش‌ها خواهد شد.

### • تجربه سایر کشورها در حوزه قیمت‌گذاری دستوری

قیمت‌گذاری دستوری یکی از سیاست‌هایی است که کشورهای زیادی در سالیان گذشته به کار گرفته‌اند. به‌منظور آثار و پیامدهای این سیاست به بررسی تجربه چند کشور در این زمینه پرداخته می‌شود.

#### • هندوستان

در سال ۱۹۵۵ در کشور هندوستان باهدف مبارزه با سوء رفتارهای شرکت‌های دارویی قیمت دستوری بر دسته مشخصی از داروها اجرایی شد.

طبق مطالعات سازمان ملی قیمت‌گذاری دارو هندوستان (NPPA)، از بین ۷۴ عامل دارویی اصلی در برنامه محدودیت قیمت تنها ۴۷ عامل در سال ۱۹۵۵ تولیدشده است.

نتایج حاصل از بررسی قیمت‌گذاری دستوری دارو در هندوستان نشان می‌دهد که این سیاست موجب از بین رفتن تولید و رقابت در تأمین عناصر دارویی در هند و آسیب زدن به بخش درمانی هندوستان شده است. همچنین منجر به از بین رفتن تعادل بین مقرون‌به‌صرفه بودن دارو، در دسترس بودن آن و رشد صنعت داروسازی شده است.

#### • آمریکا

ریچاد نیکسون، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۷۱، سیاست کنترل قیمت هزینه نیروی کار یا دستمزد را اجرایی کرد. هدف از این کار خشنود کردن

مردم پیش از انتخابات ۱۹۷۲ از طریق کاهش بیکاری و کنترل تورم بود. این طرح طی ۹۰ روز به‌صورت آزمایشی اجرا شد.

نتایج بررسی این سیاست نشان داده است، نرخ بیکاری که از اهداف این سیاست‌گذاری بوده کاهش پیدا نکرده است. از طرفی بالا رفتن قیمت کالاهای وارداتی و دیگر عوامل جهانی منجر به تضعیف دلار و افزایش تورم شده است.

نیکسون با فشارهای گوناگون سیاسی مجبور به تقویت کنترل قیمت اجراشده توسط خود شد اما بازهم اثری مثبت در اقتصاد آمریکا پدیدار نشد و باعث شد دامداران دست از فروش دام‌های خود بردارند، مرغداران مرغ‌های خود را از بین ببرند و قفسه‌های مختلف سوپرمارکت‌ها هم از اجناس خالی شود. این سیستم نهایتاً ۱۷ ماه پس از پیروزی نیکسون در انتخابات در سال ۱۹۷۴ از بین رفت.

دولت نیکسون علاوه بر کنترل قیمت نیروی کار، سیاست کنترل قیمت بنزین و نفت را هم اجرایی کرد. طی سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۷۰ مازاد تولید نفت آمریکا از چهار میلیون بشکه در روز به یک میلیون بشکه رسید که سبب افزایش وابستگی آمریکا به نفت وارداتی شد. بالا رفتن تقاضای نفت در ابتدای دهه ۷۰ و کاهش تولید عامل اصلی تعیین سقف قیمت برای نفت توسط نیکسون در سال ۱۹۷۱ بود. با اجرای این سیاست تقاضا برای نفت به‌شدت افزایش پیدا کرد. همین افزایش تقاضا منجر به بالا رفتن وابستگی به واردات نفت شد.

زمانی که رونالد ریگان در سال ۱۹۸۱ رئیس‌جمهور آمریکا شد، یکی از اقدامات اقتصادی او از میان بردن سیاست کنترل قیمت نفت و بنزین بود. با از بین رفتن بخش عمده کنترل قیمت نفت و بنزین، دسترسی سوخت در ایلات متحده آمریکا بیشتر شد. البته کنار گذاشتن ناگهانی این سیاست کنترلی مشکلاتی زیادی برای اقتصاد آمریکا از جمله تورم دورقمی پدید آورد که همین امر سبب قرار گرفتن فدرال رزرو در وضعیت بحرانی و مجبور شدن این نهاد به بالا بردن نرخ بهره شد و در نهایت اقتصاد آمریکا با یک رکود عمیق مواجه شد.

#### • افغانستان

افغانستان یکی از کشورهای همسایه ایران است. قبل از تسلط طالبان بر این کشور با شیوع ویروس کرونا قیمت بسیاری از اقلام اساسی خوراکی با نوسان شدید قیمت مواجه شدند. دولت به‌منظور کنترل قیمت از سیاست قیمت‌گذاری دستوری استفاده کرد؛ اما این سیاست با شکست مواجه شد و قیمت برخی کالاهای اساسی از زمان شروع اجرای این سیاست چند برابر شده است. به‌گواه تاریخ و آمار، کشورهایی که سیاست قیمت‌گذاری دستوری را اعمال کرده‌اند در بلندمدت با شکست روبه‌رو



در فرآیند قیمت‌گذاری دستوری دولت چون قیمت اعلام‌شده از قیمت بازار پایین‌تر است موجب ایجاد بازار سیاه باقیمتی بالاتر از قیمت تعادلی اولیه می‌شود. افرادی که قبلاً متقاضی و مصرف‌کننده کالا نبوده به دلیل سودی که در خرید و فروش کالا ایجاد می‌شود به جمع خریداران کالا می‌پیوندند و فضای کسب سود برای دلالان و واسطه‌گران فراهم می‌شود. همین امر موجب شکل‌گیری مازاد تقاضا و افزایش قیمت‌ها در اقتصاد می‌شود.

در ایران ابزار قیمت‌گذاری دستوری به‌عنوان یکی از راهکارهای کنترل تورم و حمایت مصرف‌کنندگان مورد توجه برنامه ریزان اقتصادی بوده است؛ اما اجرای این سیاست تنها به نفع عده‌ای سودجو و واسطه‌گر تمام‌شده است؛ و این سیاست اجرایی خود موجب دامن زدن به وضعیت وخیم تورم و کاهش رفاه مصرف‌کننده و تولیدکننده شده است.

## ● راهکار پیشنهادی

عدم تأکید بر استفاده از قیمت‌گذاری دستوری به معنای رهاسازی قیمت‌ها نیست، بلکه اشاره به آن دارد که برای مقابله با تورم و نوسان قیمت‌ها، تکیه بر این ابزار سیاستی راهکار کافی و مؤثری نیست. متولیان این سیاست‌گذاری باید توجه داشته باشند که نظام کنترل قیمت نیازمند نظام توزیع تحت کنترل قوی برای کالاهای قیمت‌گذاری دستوری است؛ و از طرف دیگر این سیاست باید همگرا با سایر سیاست‌های کلان اقتصادی باشد. در کشوری مثل ایران که با رکود تورمی مواجه است و در کنترل علل و ریشه‌های تورم از جمله افزایش نقدینگی و کسری بودجه دولت ضعیف عمل کرده است، اجرای چنین سیاست‌هایی ناکارآمد خواهد بود و بهتر است دولت در نقش حمایتی به‌جای دخالت مستقیم در بازار ظهور پیدا کند.

در ادامه به‌طور خلاصه به چند راهکار پیشنهادی پرداخته می‌شود.

- برای هدایت قیمت به سمت مطلوب باید عرضه و تقاضا را در بازارهای مختلف تقویت و مدیریت بهینه کرد.
- حمایت از سرمایه‌گذاری در کالاهای اساسی و حساس بدون دخالت مستقیم در بازار، مثل پرداخت یارانه به تولیدکنندگان
- تقویت ابزارهای نظارتی از تولید تا توزیع کالاها و بالا بردن شفافیت بازار
- هماهنگی سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و درآمدی کشور
- حمایت‌های دولت به اصلاحات ساختاری صنعت خودروسازی مشروط باشد. به‌گونه‌ای که تمدید تسهیلات سرمایه در گردش مشروط به خروج یا کاهش زیان دهی شرکت‌های خودروسازی و واگذاری دارایی‌های مازاد و غیر مولد باشد.
- جایگزینی تأمین مالی زنجیره‌ای به‌جای تأمین مالی بانک محور در صنعت خودروسازی
- وضع عوارض صادراتی برای کارخانه‌هایی که از حامل‌های انرژی ارزان قیمت استفاده می‌کنند. نظیر فولاد، پتروشیمی، سیمان

شده‌اند و به هدف نهایی خود که کنترل تورم و بحران حاکم بر کشور خود بود، نرسیده‌اند. در واقع کنترل قیمت با انگیزه بهبود اوضاع اقتصادی صورت گرفت اما نتیجه‌ای بد از آن گرفته شده است. به‌گونه‌ای که هزینه‌های بسیاری بر اقتصاد تحمیل شده و تغییرات عمیق اقتصادی را منجر شده است.

## ● جمع‌بندی

مطالعات انجام‌شده در چند بازار منتخب که دولت در آن دخالت و قیمت‌گذاری داشته است خبر از عدم موفقیت دولت در اجرای سیاست‌گذاری می‌دهد. حال سؤال آن است که تنها عملکرد نهادهای نظارتی بر اجرای دستورالعمل ضعیف بوده یا هدفی که برای اجرای سیاست قیمت‌گذاری تعریف شده است تناسبی با بستر اجرایی و سیاست‌های اقتصاد کلان ندارد؟

اگرچه فقدان ابزارهای نظارتی بر اجرای دستورالعمل قیمت‌گذاری به‌عنوان یکی از عوامل شکست سیاست‌گذاری قیمت دولت مطرح است؛ اما مکانیزم بازار که طبق عرضه و تقاضا شکل می‌گیرد در هر اقتصادی از جمله اقتصاد ایران برقرار است و هرگونه انحرافی از قیمت تعادلی ایجادشده توسط دولت باعث ایجاد رانت، تخریب تولید و کاهش کارایی بازار می‌شود. نقطه مقابل قیمت‌گذاری دستوری، قیمت رقابتی است. در روش‌های تعیین قیمت رقابتی چون قیمت‌ها بر مبنای عرضه و تقاضا به وجود می‌آیند، قدرت خرید مردم نقش اساسی در تعیین قیمت ایفا می‌کند.

در فرآیند قیمت‌گذاری دستوری دولت چون قیمت اعلام‌شده از قیمت بازار پایین‌تر است موجب ایجاد بازار سیاه باقیمتی بالاتر از قیمت تعادلی اولیه می‌شود. افرادی که قبلاً متقاضی و مصرف‌کننده کالا نبوده به دلیل سودی که در خرید و فروش کالا ایجاد می‌شود به جمع خریداران کالا می‌پیوندند و فضای کسب سود برای دلالان و واسطه‌گران فراهم می‌شود. همین امر موجب شکل‌گیری مازاد تقاضا و افزایش قیمت‌ها در اقتصاد می‌شود.

تفاوت قیمت پایین اعلام‌شده توسط دولت و بازار خارجی زمینه گسترش قاچاق را نیز فراهم می‌کند؛ و موجب از بین رفتن شفافیت اطلاعات در بازار و فساد می‌شود.

از سوی دیگر قیمت پایین اعلامی سیاست‌گذاران باعث کاهش سود تولیدکنندگان و کیفیت و بهره‌وری آن‌ها می‌شود.

ممکن است که اجرای سیاست تعیین قیمت در کوتاه‌مدت کمبود کالا را برطرف کند اما در بلندمدت باعث افزایش قیمت، ناکارآمدی و رانت در بازار خواهد شد.